

جایزه بزرگ جشنواره تورنتو به «کلمبوس» رسید



چهارمین دوره فستیوال فیلم‌های ایرانی در تورنتو-سینه‌ایران، بااعلام‌اسامی برگزیدگان توسط هیئت‌داوران، گادفری چشایر، بابک پیامی، مرجان عزیزاده و ارسلان براهنی به کار خود خاتمه داد. در این دوره، جایزه بزرگ فستیوال سینه ایران به فیلم «کلمبوس»، ساخته هاتف علیمردانی تعلق گرفت و فیلم «امیر» ساخته نیما اقلیما، جایزه ویژه دستاوردهای تجربی‌نورا در یافت کرد. جایزه‌بهترین دستاورد تکنیکی به علیرضا برازنده، برای فیلمبرداری فیلم «هجوم» تعلق گرفت. فیلم‌های «درساز» و «روزهای نارنجی»، جایزه بهترین فیلمنامه را به‌طور مشترک دریافت کردند و جایزه ویژه هیئت داوران برای بهترین فیلم اول، به «درساز» ساخته پویا بادکوبه تعلق گرفت. حامد بهداد برای فیلم «مارموز» و هدیه تهرانی برای فیلم «روزهای نارنجی» جوایز بهترین بازیگر مرد و زن را دریافت کردند. فیلم «هندی و هرمز» نیز جوایز بهترین کارگردانی عباس امینسی و بهترین فیلم را تصاحب کرد جایزه‌بهترین فیلم منتخب مردم نیز به فیلم «مب: یک داستان عاشقانه» اثر پیمان معادی اهداشد.

■ ■ ■

دنیرو و پاچینو دودوست؛ دوهم‌بازی



رابرت دنیرو که به تازگی بازی در فیلم «مرد ایرلندی» مارتین اسکورسیزی را به پایان رسانده درباره تجربه همکاری با آل پاچینو در این فیلم می‌گوید که او وال رقیب یکدیگر نیستند. دنیرو هم چنین معتقد است که دی‌کاپریو و بردلی کوپر جزو بازیگران جوان و عالی به‌حساب می‌آیند. ستاره فیلم «راننده تاکسی» درباره شاخص‌ترین فیلمی که در طول این سال‌ها بازی کرده به‌میر می‌گوید: «فیلم «گاوخشمگین» را دوست دارم جایی که من نقش جیک لاماتا بوکسور را بازی کردم. سر آن فیلم بسیار سختی کشیدم، اما آن فیلم یک کار دلی بود. من هم چنین به تازگی فیلم «ایرلندی» را با مارتین اسکورسیزی، آل پاچینو و جو پشی تمام کردم. این فیلم پس از مدت طولانی ساخته شدم و من اوقات خوبی را سر آن کار داشتم.» دنیرو هم چنین در پاسخ به این پرسش که آیا رقابتی بین او آل پاچینو وجود دارد، گفت: «ما مدت زمان خیلی خیلی طولانیست که همدیگر را می‌شناسیم. تردیدی نیست که ما برای نقش‌های شبیه به هم انتخاب شده‌ایم. آل پاچینو چیزهایی را که امروز از آن‌ها استفاده می‌کنم به من یاد داد. می‌دانید او دوست دارد همیشه در حال خواندن فیلمنامه باشد و من اکنون این کار را در تمام روز انجام می‌دهم.» او هم چنین درباره بازیگران جوان موفق امروز سینمای جهان توضیح داد: «امروز چند بازیگر جوان فوق‌العاده وجود دارد. من فکر می‌کنم دی‌کاپریو عالی است، بردلی کوپر هم همین‌طور، چند بازیگر جوان دیگر هم هستند که فوق‌العاده هستند.»

■ ■ ■

دارایی از تولیدات جدید صداوسیما خبر داد
علی‌داریایی با اشاره به سریال «سردار سنجرخان» بیان کرد: «سردار سنجرخان» یک سریال ۲۶ قسمتی است که زندگی یک قهرمان گرداهل تسنن که مریدمیرزا کوچک خان جنگلی بوده را به‌تصویر می‌کشد. ۱۸۸ فیلم تلویزیونی و ۳۱ سریال با موضوع انقلاب و سرداران که تاریخ معاصر را روایت می‌کند، تولید خواهیم کرد. سریال «بانوی سردار» با موضوع زندگی بی‌بی‌میرزا ایل‌بختیاری که قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس و استبداد است، ساخته خواهد شد. این سریال را پرویز شیخ‌طادی نوشته و کارگردانی کرده است. فصل دوم این سریال نیز درباره فرزندانوشیرعلی مردان خان است. سریال‌های «گنج‌راه‌شیری»، «جلال» و «روزهای بی‌قراری ۲» در حال صداگذاری هستند که امسال از تلویزیون پخش خواهند شد.

پایان باز برای یک فیلم تاریخ مصرف گذشته

آستیکمات، هیاهوی بسیار برای هیچ

«آستیکمات» می‌خواهد بار وایت داستان چند بحران، به‌هم پیوستگی مشکلات افراد را نشان بدهد؛ این که وقتی والدین، نمی‌توانند باهم بسازند و از هم جدای می‌شوند، خواه‌نا‌خواه، این تصور را برای فرزندان خود به‌وجود می‌آورند که می‌شود در صورت بروز هر بحرانی در خانواده، آن را ترک کرد و جدا و شد و به سوداهای دیگر رسید.



سوداهای دیگر رسید؛ هم‌چنان که هم مادر بزرگ و هم همسرش، با وجود تمام مشکلات مالی و بحران‌هایی که پسر و نوه‌شان، درگیر آن هستند، سوداهای شخصی خود را دارند؛ مادر بزرگ به مسئول آموزشگاه دل‌باخته است، و پدر بزرگ سرش به شیوهای دیگر گرم است.

کسری پسر دوازده ساله، در مرکز این بحران نیست، زیر این بحران، اصلاً مرکز ندارد، همه چیز از هر طرف در حال سرریز شدن است؛ پدر بزرگ پسرش را تحقیر می‌کند، مادر بزرگ به هر دری می‌زند، در بیمارستان کار می‌کند، ترشی و مربا درست می‌کند راننده سرویس مدرسه می‌شود، اماگر این خانه سست بنیان، مدتی بیشتر دوام بیاورد. کسری در این میان تنها کسی است که هیچ تقصیری در بروز هیچ کدام از این بحران‌ها ندارد؛ اما بیشترین و سنگین‌ترین بهای این فروپاشی‌ها را او می‌پردازد. نوجوان، هم در خانه دارد محومی شود و دیگر کم‌کم دیده نمی‌شود و هم در مدرسه، به‌واسطه رنگ صورتی عینکش، به‌واسطه در خود فرو رفتگی و سکوتش، به‌واسطه محبوب بودنش نزد معلم، از سوی همکلاسی‌هایش تحقیر می‌شود. کسری به‌عنوان نمادی از نسل آینده‌این خانه و وارث نهایی این آدم‌ها، از شعاع دید و احساس آن‌ها خارج می‌شود؛ پدری که هم می‌نوشد، هم دومی‌کند،

پنهانی می‌نوشد و برای همین هر بار جواب از مایش مثبت می‌شود و هر بار آرزوی بازگشتن همسرش، ناممکن‌تر. پدر جوان و پسرش کسری، سربار مادر (با بازی مهتاب نصیرپور) شده‌اند مادر و مادر بزرگی که تمام تلاشش را می‌کند تا این خانواده دوباره سروسامان بگیرد و مادر ن‌شواش به‌خانه باز گردد. اما البته، این مادر بزرگ جوان هم سوداهای خود را دارد و وارد رابطه پنهانی با مسئول آموزشگاه زبانی (با بازی حسین پاکدل) شده که نوه‌اش به آن جامی‌رود. این خانواده‌بی‌سامان، که هنوز در خانه پدری زندگی می‌کنند، به خوش‌خیالی‌فکرمی‌کنند که می‌توانند با فروش این خانه و تبدیل آن به دو واحد، به سروسامان برسند و برای همین مادر بزرگ، می‌خواهد به هر نحوی که هست، شوهر سابق را وادارد که خانه را به نام آن‌ها کند. مادر نهایت مشخص می‌شود که این همسر سابق و لاابالی، خانه را بر سر قرض و قسط و قمار، باخته‌و آن را از دست داده است!

چند داستان در هم تنیده

«آستیکمات» می‌خواهد با روایت داستان چند بحران، به‌هم پیوستگی مشکلات افراد را نشان بدهد؛ این که وقتی والدین، نمی‌توانند باهم بسازند و از هم جدای می‌شوند، خواه‌نا‌خواه اما این تصور را برای فرزندان خود به‌وجود می‌آورند که می‌شود در صورت بروز هر بحرانی در خانواده، آن را ترک کرد و جدا و شد و به

آذر فخری، روزنامه‌نگار

نام فیلم: آستیکمات
کارگردان: مجید رضامصطفوی
فیلمنامه: مجید رضامصطفوی
بازیگران: مهتاب نصیرپور، مصطفی کیایی، باران کوثری، نیکی کریمی، هادی حجازی‌فرو...
«آستیکمات»، داستان دو خانواده فروپاشیده است؛ دو خانواده‌ای که از هم حرفی و دیالوگ در میان آن‌ها خبری نیست و هر چه هست فوران خشم است، و رفتارها و حال‌های هیستریک. پدر و پسر هر دو از سوی همسران‌شان ترک شده‌اند؛ پسر با مادرش در خانه پدری مانده است، بافرزندکی تا بپیش از شروع بحران والدینش، بچه درس‌خوانی بود و حالا با رفتن مادر از خانه، دچار زوال اخلاقی و رفتاری شده است؛ در غیاب مادرش و در حالی که پدرش مشغول پرورش زالوست تا پولی به‌دست آورد و همسرش را به‌خانه برگرداند، تنها با توجه گامبه‌گام مادر بزرگش، خودش به خودش دیکته می‌گوید، به تنهایی به‌امور درسی‌اش می‌رسد و به‌شدت ساکت و افسرده است.

پدر جوان (با بازی محسن کیایی) مدتی است در حال ترک اعتیادش به الکل است و امیدوار است پس از عبور از این مرحله و منفی شدن جواب آزمایشش، به شغل سابق خود که رانندگی تاکسی است برگردد. اما او

یادداشت

اغلب مشکلات افراد این جامعه، آنان

را درگیر بحران‌های روانی کرده و روابط بین آن‌ها را بیمار کرده است... این معضلات اجتماعی ممکن است در بسیاری از مواقع ریشه در مسائل اقتصادی داشته باشند، هم‌چنان که زن جوان فیلم، از همسر خود تقاضای خانه مستقل و طلاق در آمد دارد. اما، آن‌چه در این فیلم مطرح می‌شود شاید در زمان ساخته شدن فیلم نوعی تابو و هنجار شکنی بود و برای همین دراکران آن محدودیت‌قائل شدند. اما حالا تماشاای آستیکمات با پایان نامعلوم و بازش، برای تماشاگر حرف تازه‌ای ندارد. تماشاگر امروز آستیکمات خود درگیر همین مسائل، سیاه یا خاکستری است.

در واقع امروز دیگر آستیکمات حرف تازه‌ای برای تماشاگر ندارد تا تابویی هم در آن شکسته شود و یا سیاه‌نمایی در آن اتفاق بیافتد. آستیکمات، شاید در همان سال ساخته شدنش درگیر نوعی هنجار شکنی و سیاه‌نمایی بوده و این شائبه را پیش آورده که اگران این فیلم سیاه‌نما، برای جامعه مناسب نیست چون مسائل و مشکلات اخلاقی و اجتماعی جامعه را به‌صورت عریان و بی‌پرده‌نشان می‌دهد اما امروز که حال و هوای جامعه، نسبت به مسائل مطرح شده در فیلم نه فقط سیاه که مضحکل‌تر و فروپاشیده‌تر است، صلاح دیده شده که فیلم‌اکران شود؛ چون در ده‌ها مشکلات اجتماعی و اقتصادی اخیر، نیش‌وزهر فیلم را گرفته است. لاجرم، چنین است که دیگر صحبت از هنجار شکنانه و شجاعانه بودن این فیلم و هیاهو بر سر آن، راه به‌گذاغه گویی می‌برد. آستیکمات برای تماشاگر امروز و در این حال و هوا حرف تازه‌ای ندارد. تماشاگر امروز بیشتر از نماه‌های سکانس‌های آستیکمات درگیر درد و داد و فریاد و بحران در روابط اجتماعی و خانواده‌است.

مادچار بحران عاطفی هستیم!
کسری برای معلمش نامه عاشقانه می‌نویسد و حلقه مادرش را هم ضمیمه می‌کند. او چه می‌خواهد؟ آیا او نوجوانی با ذهن منحرف است؟ نه! کسری به دنبال عشق و محبتی مادرانه است که آن را گاهی در کلاس و در حضور معلمش دریافت می‌کند. اما جامعه پیرامونش به مسئله‌ای را محبت و عشق و طلب آن، چنان نگاه می‌کند که انگار گناهی انجام شده و حرمی شکسته شده است. کسری نوجوان تربیت شده در همین جامعه است با تمام تابوهای بیمار و ویران‌کننده‌اش و راهی جز این روش برای درخواست و طلب محبت نمی‌شناسد؛ چون این رابطه‌های مر‌یض و ولنگارانه را بین پدر

هم‌بددهان و عصبی است‌مادری لاابالی که فقط دنبال این است که شوهرش خانه‌ای دست و پا کند، برایش طلا بخرد و او بتواند یک سالن آرایشگری راه بیندازد، مادر بزرگی که می‌خواهد هر طور شده عروس به‌سر خانه‌وزندگی‌اش برگردد، تکلیف خانه روشن شود، تا او هم بتواند بالاخره با‌مردی که به‌او علاقه دارد، ازدواج کند.

خوب، اما تاریخ مصرف گذشته!

آستیکمات در نوع خود می‌خواهد فیلمی باشد اجتماعی تا مسائل و معضلات اجتماعی را به‌صورت عریان نمایش بدهد و بگوید که چگونه

آن‌چه در این فیلم مطرح می‌شود، شاید در زمان ساخته شدن فیلم نوعی تابو و هنجار شکنی بود و برای همین دراکران آن محدودیت‌قائل شدند. اما حالا تماشاای آستیکمات با پایان نامعلوم و بازش، برای تماشاگر حرف تازه‌ای ندارد. تماشاگر امروز آستیکمات خود درگیر همین مسائل، سیاه یا خاکستری است

و مادر خود و بین مادر بزرگ و عاشقش می‌بیند. این که محبت و عشق فقط در قالب و درمیان دوجنس‌مقابل می‌تواند اتفاق بیافتد... اما کسری صرفاً نوجوانی نیازمند محبت است. عشق و محبتی که آن را از بستر خانواده دریافت نمی‌کند. پس ما مشکل خان‌واده داریم. خانواده طبق آن‌چه آستیکمات نشان می‌دهد، کارکرد عاطفی خودش را از دست داده و صرفاً به‌بنگاهی برای تبادل ثروت و امکانات و طرف، تبدیل شده است. زن وقتی به‌خانه‌وزندگی‌اش بازمی‌گردد یا مسئولین خانه‌ونیازهای دیگر او را بی‌چندوچون تأمین‌کند، عشق در معنای اصیلش وجود ندارد و تولید هم نمی‌شود تا فرزند از آن بهره‌ای ببرد.

چرا این طوری تمام شد؟

آستیکمات پایان‌بازی دارد... نمی‌خواهد یانمی‌تواند تمام شود؛ چون فکرمی‌کند وظیفه‌اش را که نشان دادن معضلات جامعه بوده، انجام داده است و حالا مردم یا مسئولین هستند که باید دست به کار شوند و چاره‌ای بیندیشند. این درست، ولی بالاخره تکلیف تماشاگر با بازیگرهایی که در طول فیلم با آن‌ها همذات‌پنداری کرده باید روشن شود. تماشاگر در طول فیلم، با یکی از آن بازیگران همراه و همدل می‌شود و منتظر است ببیند با این دردی که به آن مبتلا شده و یا مشکلی که برایش پیش آمده، چه باید بکند. قهرمان یا قهرمان‌های داستان چه سرنوشتی پیدا می‌کنند، چه بر سرشان می‌آید. آستیکمات یک فیلم عمیق فلسفی نیست که با پایان‌بازش، تماشاگر انتظار داشته باشد خودش آن را پایان بدهد. آستیکمات صرفاً یک فیلم اجتماعی است که با تمام هیاهوهای حاشیه‌ای که با خودش ایجاد کرد یا برایش ایجاد کردند، یک فیلم تاریخ مصرف گذشته است. همین.

یادداشت

پیش از زمان رسیدن به این دوره مطلع‌کنند و دختران و پسران را برای آثار ناشی از بلوغ آماده سازند. جوانانی که اطلاع قبلی از تحولات بلوغ نداشته باشند و تنها شایعات و کنایه‌های مبهم را در مورد آن شنیده باشند نه تنها آشفته و پریشان می‌شوند بلکه غالباً وحشت کرده و رفتارهای مخرب از خود نشان می‌دهند. از طرفی سکوت والدین نیز تحولات فوق‌را ترسناک جلوه می‌دهد و باعث کناره‌گیری و احساس غیرعادی بودن و یا تمایل و گرایش نوجوان به منابع سهل‌تر همچون گرویدن به گروه همسالان می‌شود که در نهایت به اطمینان و اعتماد متقابل نوجوان با والدین خویش صدمه می‌رساند. براین اساس به والدین تاکید می‌شود برای آنکه در این دوران بتوانند از وظایف خود آگاه شوند حتماً با یک متخصص روانشناس مشورت کنند تا با آگاهی کامل به ارضای نیازهای عاطفی فرزندشان بپردازند و همچنین مسئولیت‌های والد فرزندنی خویش را به خوبی و به نحو احسن به انجام برسانند.

بلوغ؛ تولد مجدد تحولات جسمی-روحي

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

عینکی، پسر ۱۲ ساله این زوج روایت می‌شود

که در حال گذراندن دوره پسر تلاطم بلوغ است که در میان هیاهوی مشکلات بزرگ و کوچک پدر و مادر بی‌فکرش، یگانه قربانی نوع تعاملات و روابط میان اعضای خانواده با یکدیگر را به طرز چشمگیری مورد توجه قرار داده است. در حقیقت «آستیکمات» با رگه‌های قصه‌گویی، بحران‌های مختلف خانواده‌ای را که در شرف از دست دادن خانه خویش هستند روایت می‌کند. این فیلم زندگی خانوادگی زوج جوانی را نشان می‌دهد که با مشکلات معیشتی و روانشناختی متعددی دست به‌گriپان هستند که بخاطر بی‌فکری‌ها، بی‌مسئولیتی‌ها و همچنین مزاج دمدمی‌شان در حال حاضر از خود هیچ‌خانه و کاشانه‌ای ندارند و به ناچار در منزل پدر پسر سکنی گزیده‌اند. داستان فیلم گاهی با وجود زوایا و لایه‌های متعدد، از زاویه دید کسری

رشد پیدا می‌کند، چطور می‌تواند صدمات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر جسم و روان کودک بر جای بگذارد. در حقیقت در قلمرو روانشناسی «بلوغ» تابعی از سن رشدی انسان است که بدلیل آنکه سر آغاز تحولات و دگرگونی‌های جسمانی و روانی است، از آن به‌عنوان یکی از مهمترین و پراززشت‌ترین دوران‌های زندگی هر فرد یاد می‌شود.

براساس تحقیقات و پژوهش‌های روانشناسی فرآیند بلوغ یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های زندگی و در عین حال لذت‌بخش‌ترین و دل‌انگیزترین مرحله از رشد و تحول محسوب می‌شود. قطعا در این مرحله نوجوان تمایلات، خواسته‌ها و خواهش‌های متضادی را ابراز می‌کند که بعضی از خانواده‌ها در برابر این چالش‌های رشدی، پاسخ‌های مناسبی ارائه می‌دهند؛ البته در این میان خانواده‌هایی نیز هستند که